Iranian Independent Islamic Human Rights Commission
کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران
لجنه حقوق الانسان الاسلامیه فی ایران



تاملی در خصوص سکوت هدفمند و غیرمسئولانه اتحادیه اروپا در قبال تجاوز آمریکا و اسرائیل به ایران؛
واکاوی از منظر حقوق بین الملل

امور پژوهشی، آموزشی و ترویجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

تابستان ۱۴۰۵

توضیحات مقدماتی کمیسیون:

در قبال تجاوز آمریکا و اسرائیل علیه ایران در اسفند ماه ۱۴۰۴ و فروردین ۱۴۰۵، در سطح جهانی واکنش های گسترده ای نزد ملت های مختلف شکل گرفت. این واکنش ها در مواردی مشابه واکنش های پس از تجاوز ۱۲ روزه در خرداد وتیرماه ۱۴۰۴ به ایران بود و در مواردی با واکنش های برجسته تر همراه شد به ویژه که در این تجاوز جدید علاوه بر ترور عالی ترین مقام ایران، برخی جنایات غیر انسانی همانند هدف قرار دادن مدرسه شجره طیبه میناب و به شهادت رساندن قریب به ۲۰۰ نفر از دانش آموزان و معلمان و کادر اداری مدرسه، هدف قراردادن ورزشگاه و خانه های مردم در لامرد با بمب های خاص دارای آثار غیر انسانی گسترده، هدف قراردادن ده ها مدرسه، دانشگاه ،ورزشگاه، مرکز درمانی،آثار میراث فرهنگی و دیگر زیر ساخت‌های مردمی ایران، توجه جهانی را بیشتر به خود جلب کرد. اظهار نظرهای خود ترامپ در خلال جنگ رمضان و هفته های پس از آن نیز مزید بر علت شد تا جهانیان بهتر دریابند که وی از ارتکاب هر گونه جنایتی ابا ندارد و حتی تهدید به از بین بردن یک تمدن چند هزار ساله را مطرح می سازد یا اینکه حاضر است به تعبیر خودش «برای تفریح وسرگرمی» مرتکب جنایت غیر انسانی شود .

در چنین فضایی که اکثر ملت ها موضعگیری در محکومیت جنایات آمریکا و اسرائیل داشته اند، به طور طبیعی از نهادهای تخصصی حقوقی و حقوق دانان در سراسر دنیا انتظار بیشتری می رفت که واکنش جدی نشان دهند چرا که این نهادها و افراد بهتر ابعاد نقض حقوق بین الملل و حقوق بشر را درک می کنند فلذا هر گونه سکوت یا همراهی آنها با جنایتکاران امری غیر قابل قبول و شایسته نکوهش جلوه می کند.

در پاسخ به انتظار منطقی یاد شده، برخی از نهادهای تخصصی حقوقی یا حقوقدانان واکنش های مناسبی هم از حیث محتوا و هم از حیث فوریتِ اعلام نظر داشتند. اما بعضی نهادها وافراد متاسفانه محافظه کاری پیشه کرده و سخنی نگفتند که موجبات غضب مسئولان آمریکا یا رژیم اشغالگر اسرائیل را در پی داشته باشد یا اگر حرفی زدند دوپهلو و مبهم سخن گفتند و با عباراتی بی خاصیت، هر دو طرف را به کاهش تنش دعوت کردند یا ضمن اشاره به تجاوز آمریکا چند مطلب منفی نیز علیه ایران مطرح کردند .

برای آنکه مخاطبان ایرانی بهتر مطلع شوند که کدام نهادهای تخصصی حقوقی و یا حقوقدانان بین المللی موضعگیری شفافی داشتند و کدام نهادها و کارشناسان هیچ موضعگیری نکرده یا مواضع بی خاصیتی داشتند، امور پژوهشی کمیسیون مناسب دانست که اولاً بررسی دقیقی در خصوص موضعگیری های نهادهای تخصصی حقوقی یا

شخصیت های علمی فعال در حوزه حقوق بین الملل داشته باشد و موارد در خور توجه را گردآوری نماید. ثانیاً مصادیق برجسته را انتخاب و به فارسی برگردان نماید و در دسترس مخاطبان فارسی زبان قرار دهد.
گزارش حاضر یکی از همین مجموعه آثار گردآوری شده است .

حقوقدان نویسنده این اثر در دانشگاه آکسفورد مشغول گذراندن دوره دکترای حقوق بین الملل است. وی بر موضوع مهمی انگشت گذاشته و آن ارزیابی مواضع اتحادیه اروپا در قبال تجاوز به ایران است. نویسنده به خوبی انواع سکوت ها و شگردهای بکار رفته برای هر مورد را تبیین کرده و نشان داده که عمل نکردن اتحادیه اروپا در قبال تعهد بین المللی خود به محکوم نمودن تجاوز علیه ایران و نقض قواعد آمره بین المللی، در واقع نوعی سخن گفتن گویا و دارای پیام و البته غیر مسئولانه بوده و نوعی همراهی با متجاوزان را منعکس کرده است. اینکه اروپایی ها سالهاست در قبال رعایت موازین حقوق بین الملل از جمله حقوق بشر،گزینشی و دوگانه و مبتنی بر اهداف خاص سیاسی عمل می کنند امر تازه ای نیست و بارها در منابع مختلف بیان شده است ، تازگی نوشتار حاضر به این امر وابسته است که موضوع را با تطبیق بر تجاوز به ایران از منظر حقوق بین الملل و ادبیات تخصصی ذیربط واکاوی کرده و نشان داده که اتحادیه اروپا با چه روش‌های مزوّرانه ای تعهد حقوقی بین المللی خود را نادیده گرفته اند.

امور پژوهشی کمیسیون ضمن تاکید بر اینکه ترجمه و بازتاب هر مقاله منتشره در خارج ایران لزوماً به معنای تایید همه دیدگاه‌های مطرح شده نویسندگان نیست، یادآوری می نماید که در روند نهایی سازی ترجمه حاضر، در مواردی برخی کلمات داخل براکت[ ] در متن افزوده شد، برخی توضیحات در زیر نویس صفحات مقاله درج گردید و معادل انگلیسی برخی اصطلاحات یا کلمات مهم در زیر نویس هر صفحه منعکس شد تا فهم موضوع بهتر انجام پذیرد. ارجاعات انگلیسی خود نویسنده نیز عینا ذیل هر صفحه حفظ گردید .
با امید به اینکه ارتقای آگاهی های عمومی در خصوص ابعاد حقوقی تجاوز به کشورمان، موجبات تقویت حساسیت ها برای دفاع از حقوق انسانی و ملی را فراهم سازد و همه بیش از گذشته تلاش کنیم که ظرفیت های ملی و جهانی را در خدمت اجرای عدالت و پاسخگو کردن جنایتکاران قرار دهیم،متن گزارش تهیه شده بشرح آتی تقدیم میشود.

امور پژوهشی، آموزشی و ترویجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران
تیرماه ۱۴۰۵

♦نویسنده: محمدحسین صدیقی،دانش پژوه دکتری حقوق بین‌الملل در دانشگاه آکسفورد، کالج سنت ادموند هال.

♦مجری روند برگردان انگلیسی به فارسی: سالار درویشی، دانش پژوه دکترای حقوق و همیار افتخاری کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

♦ویرایش و نهایی سازی متن : امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران،تیرماه ۱۴۰۵

♦ماخذ: سامانه مجله دیجیتال حقوقی بین المللی اوپینیو جوریس (Opinio Juris) ، هفتم جولای ۲۰۲۶

♦ شناسه متن: ۰۵/۲/۲۰۵

هر گونه نقل مطالب گزارش حاضر یا بازنشر جزئی یا کلی آن با ذکر ماخذ و رعایت استناد به امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران، مجاز است.

امور پژوهشی کمیسیون از هر گونه نظر و پیشنهاد مخاطبان ارجمند به ویژه صاحبنظران و کارشناسان محترم در راستای ارتقای تلاش ها استقبال می کند. مشارکت در فعالیت های عام المنفعه نیز برای همه میسور است.

(www.ihrc.ir)

متن مقاله:

سکوت فعال و معنادار: واکنش اتحادیه اروپا به جنگ در ایران

نوشته محمدحسین صدیقی، دانش پژوه دکتری حقوق بین‌الملل در دانشگاه آکسفورد، کالج سنت ادموند هال

(نشر در هفتم جولای ۲۰۲۶ برابر با شانزدهم تیرماه ۱۴۰۵ شمسی)

«همه‌چیز را نمی‌توان گفت؛ بنابراین، سکوت بخشی از گفتار است».[۱]

صبح روز ۲۸ فوریه ۲۰۲۶، ایالات متحده و اسرائیل جنگی را علیه ایران آغاز کردند[۲] که مرحله فعال آن ۳۹ روز به طول انجامید. پس از آن، در ماه آوریل، آتش‌بس[۳] برقرار شد و محاصره دریایی[۴] تمامی بنادر ایران نیز[از سوی دولت ترامپ] اِعمال گردید که در ادامه، به امضای یک یادداشت تفاهم[۵] انجامید. توسل ایالات متحده و اسرائیل به زور، فی‌نفسه، آشکارا غیرقانونی است.[۶] بااین‌حال، نحوه هدایت این جنگ نیز به‌شدت نگران‌کننده بوده است؛ زیرا گزارش‌های متعددی[۷] از وارد آمدن خسارات گسترده به غیرنظامیان منتشر شده است از جمله حادثه تلخ مدرسه میناب[۸] و رئیس‌جمهور ایالات متحده نیز تهدیدهای عمومی هولناکی مطرح کرده است؛ از جمله احتمال نابودی کامل یک تمدن[۹] و هدف قرار دادن مستقیم زیرساخت‌های حیاتی غیرنظامی،[۱۰] مانند نیروگاه‌ها و پل‌ها. این جنگ

---

۱. Ortega y Gasset, 1957, p. 246.
https://psycnet.apa.org/record/1958-04043-000

۲. https://www.cfr.org/articles/gauging-the-impact-of-massive-u-s-israeli-strikes-on-iran

۳. https://www.bbc.co.uk/news/articles/ce84z6y3ke4o

۴. https://www.cnbc.com/2026/04/15/us-strait-of-hormuz-blockade-navy-iran-seaborne-trade-oil-trump.html

۵. https://www.bbc.co.uk/news/articles/c4gy700j0eko

۶. Manifestly unlawful
For a legal analysis, see: https://www.ejiltalk.org/the-american-israeli-strikes-on-iran-are-again-manifestly-illegal/
https://www.justsecurity.org/135423/professors-letter-international-law-iran-war/

۷. https://www.aljazeera.com/news/liveblog/2026/3/29/iran-war-live-houthis-attack-israel-anti-war-protesters-rally-in-tel-aviv?update=4444031

۸. https://www.aljazeera.com/news/2026/3/3/questions-over-minab-girls-school-strike-as-israel-us-deny-involvement

۹. https://truthsocial.com/@realDonaldTrump/116363336033995961

۱۰: https://truthsocial.com/@realDonaldTrump/116351998782539414

بر سراسر منطقه تأثیر گذاشته است؛ زیرا پاسخ‌های ایران، پایگاه‌های نظامی ایالات متحده[۱۱]در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج [فارس][۱۲]و زیرساخت‌های انرژی آن‌ها [۱۳]را هدف قرار داده است.

اتحادیه اروپا بیش از ۱۰ بیانیه درباره جنگ در ایران صادر کرده است که در صفحات اطلاع رسانی رسانه ای شورای اروپا[۱۴]و کمیسیون اروپا[۱۵] قابل دسترسی است. بااین‌حال، اتحادیه نه‌تنها به‌طرزی قابل تأمل از ذکر نام ایالات متحده یا اسرائیل، چه به‌صورت ضمنی و چه صریح، خودداری کرده است، بلکه در بیانیه‌های خود صرفاً پاسخ‌های ایران را با شدیدترین عبارات محکوم کرده و در عین حال، تنها به‌گونه‌ای مبهم درباره تحولات ایران، امنیت دریایی، آزادی کشتیرانی در تنگه هرمز و امنیت انرژی ابراز نگرانی کرده و خواستار خویشتنداری و احترام به حقوق بین‌الملل در کلی‌ترین عبارات شده است. در تمامی این بیانیه‌ها، اتحادیه اروپا حتی به تجاوز ایالات متحده و اسرائیل علیه ایران اشاره نکرده، چه رسد به اینکه آن را محکوم کرده باشد.[۱۶]

این نوشتار استدلال می‌کند که این الگوی سکوت، صرف‌نظر از هرگونه داوری اخلاقی، ممکن است نقض تعهد اتحادیه اروپا بر اساس حقوق بین‌الملل عرفی[۱۷]باشد؛ تعهدی مبنی بر اینکه وضعیت شکل گرفته در نتیجه نقض فاحش یک قاعده آمره حقوق بین‌الملل[۱۸]را به عنوان امری قانونی[۱۹]به رسمیت نشناسد.

---

۱۱. https://www.nytimes.com/2026/03/25/us/politics/iran-us-bases.html
۱۲. Gulf Cooperation Council (GCC)
۱۳. https://www.dw.com/en/iran-attacks-on-gulf-oil-and-gas-sites-trigger-energy-fears/a-76199281
۱۴. https://www.consilium.europa.eu/en/press/press-releases/2026/03/05/joint-statement-by-gcc-eu-ministers-meeting-on-recent-developments-in-the-middle-east-iran-s-attacks-against-gcc-states/
۱۵. https://ec.europa.eu/commission/presscorner/home/en
۱۶. See for example: https://www.eeas.europa.eu/delegations/vienna-international-organisations/eu-statement-agenda-item-1-extraordinary-board-governors-international-atomic-energy-agency_en
https://www.consilium.europa.eu/en/press/press-releases/2026/02/28/joint-statement-by-president-costa-and-president-von-der-leyen-on-developments-in-iran/
https://www.consilium.europa.eu/en/press/press-releases/2026/03/01/statement-by-the-high-representative-on-behalf-of-the-european-union-on-developments-in-the-middle-east/
https://www.consilium.europa.eu/en/press/press-releases/2026/03/05/joint-statement-by-gcc-eu-ministers-meeting-on-recent-developments-in-the-middle-east-iran-s-attacks-against-gcc-states/
https://www.consilium.europa.eu/en/press/press-releases/2026/03/09/joint-statement-by-president-costa-and-president-von-der-leyen-after-the-video-conference-with-leaders-from-middle-east-countries-on-the-war-in-iran/
۱۷. Customary international law (CIL)
۱۸. Peremptory norm of international law (jus cogens)
۱۹. Lawful

تعهد اتحادیه اروپا به عدم شناسایی وضعیتی که در نتیجه نقض فاحش یک قاعده آمره ایجاد شده است، پیش‌تر بررسی شده است؛ از جمله، به‌طور برجسته، توسط والنتینا آزاروا،[۲۰] که نشان داده است بازتنظیم تدریجی روابط اتحادیه با اسرائیل از طریق اقدامات تمایزبخش در زمینه تجارت مرتبط با شهرک‌سازی، خود ناشی از ضرورت اجتناب از شناسایی وضعیت غیرقانونی ایجادشده در سرزمین‌های اشغالی فلسطین بر اثر اقدامات اسرائیل بوده است. بااین‌حال، آن تحلیل ناظر بر رفتار ایجابی اتحادیه اروپا است و از این حیث با نوشتار حاضر تفاوت دارد؛ زیرا این نوشتار به سکوت اتحادیه اروپا و تأثیر آن بر تعهد عدم شناسایی[وضعیت غیر قانونی] می‌پردازد.

شیوه‌های سکوت معنادار و واکنش اتحادیه اروپا

اگرچه سکوت عموماً به‌عنوان فقدان و نبود ارتباط توصیف می‌شود، در معنای ویتگنشتاینیِ «بازی زبانی»[۲۱] بخشی از زبان تلقی می‌شود[۲۲] و می‌تواند به رفتاری فعال و ارتباطی تبدیل شود.[۲۳] کنشگران به دلایل گوناگون[۲۴] به سکوت متوسل می‌شوند؛ از جمله برای حفظ روابط سیاسی یا ایجاد فضای مانور دیپلماتیک از طریق ابهامی که سکوت ایجاد می‌کند. آوگستن و همکاران،[۲۵] دو نوع سکوت را از یکدیگر متمایز می‌کنند: «سکوت غیرمعنادار»[۲۶] که صرفاً خودداری ساده از بیان[۲۷] است، و «سکوت معنادار»[۲۸] که به خودداری عامدانه از بیان[۲۹] درباره موضوعی مشخص اطلاق می‌شود.

---

۲۰. Valentina Azarova
https://www.tandfonline.com/doi/full/10.1080/23340460.2018.1507278
۲۱. The language game
۲۲. https://www.taylorfrancis.com/chapters/edit/10.4324/9781315104928-6/silence-xavier-guillaume-elisabeth-schweiger
۲۳. Ibid. pp. 96, 105
۲۴. https://ebookcentral.proquest.com/lib/oxford/detail.action?pq-origsite=primo&docID=622469
۲۵. Augsten et al. :
https://academic.oup.com/isagsq/article/2/2/ksab040/6510208
۲۶. Non-articulated silence
۲۷. Simple refraining from utterance
۲۸. Articulated silence
۲۹. The deliberate refraining from utterance

در خصوص سکوت معنادار، هرینگ و اِشتال[۳۰] گونه‌شناسی دیگری از شیوه‌های ایجاد سکوت ارائه می‌کنند؛ یعنی روش‌های مشخصی که کنشگران از طریق آن‌ها سکوت را اعمال می‌کنند. این شیوه‌ها عبارت‌اند از :

۱. «عدم ذکر»[۳۱] که به سکوت غیرمعنادار نزدیک است؛
۲. «کم‌اهمیت جلوه دادن»[۳۲] که شامل کم‌رنگ کردن یک موضوع، عادی‌سازی آن یا جایگزین کردن آن بادغدغه‌ای دیگر است؛ و
۳. «چارچوب‌بندی»[۳۳] که موضوع را در زمینه‌ای متفاوت قرار می‌دهد؛ زمینه‌ای که به‌عنوان موضوع اصلی توجه معرفی می‌شود. (ص۶۱۶)

در ادبیات [تخصصی ذیربط]، شیوه‌های دیگری از سکوت نیز شناسایی شده است؛[۳۴] از جمله «فرودست‌سازی»[۳۵] ارائه موضوع صرفاً به‌عنوان یکی از اجزای مسئله‌ای بزرگ‌تر که باید در مرکز توجه قرار گیرد، «جابجایی گفتمانی»[۳۶] [به معنای] انتقال بحث به سطحی دیگر، برای مثال از سطح ملی به بین‌المللی و «استخراج معنا»[۳۷] یعنی به‌کارگیری واژه‌ای مانند «حقوق بین‌الملل» بدون آنکه در آن زمینه، معنای ماهوی مشخصی برای آن قائل شوند.

بررسی بیانیه‌های رسمی اتحادیه اروپا درباره جنگ در ایران نشان می‌دهد که اتحادیه در قبال تجاوز ایالات متحده و اسرائیل علیه ایران، به‌طور نظام‌مند از این شیوه‌های سکوت استفاده کرده است. با توجه به اینکه اتحادیه اروپا بیش از ۱۰ بار موضع رسمی خود را درباره همین جنگ اعلام کرده است، سکوت آن درباره عمل آغازین تجاوز، بنا بر تعریف، «معنادار» و نه سهوی[۳۸] است.

---

۳۰. Hering and Stahl https://link.springer.com/article/10.1057/s41268-022-00254-2
۳۱. Non-mentioning
۳۲. Trivialization
۳۳. Framing
۳۴. https://academic.oup.com/isagsq/article/2/2/ksab040/6510208
۳۵. Subordination
۳۶. Discursive displacement
۳۷. Meaning extraction
۳۸. Inadvertent

اتحادیه اروپا با حذف کامل عمل اولیه تجاوز ایالات متحده و اسرائیل و برجسته کردن دغدغه‌های عمومی دیگری، مانند خطر جریان‌های مهاجرتی به اروپا [۳۹]یا امنیت انرژی،[۴۰]به‌جای تجاوز علیه ایران، به «کم‌اهمیت جلوه دادن» موضوع پرداخته است. همچنین، با چارچوب‌بندی نادرست کل وضعیت به‌گونه‌ای که مسئولیت متوجه ایران شود، از طریق تکرار مکرر موضوع برنامه‌های هسته‌ای و موشکی ایران[۴۱]و نیز برخورد با پاسخ‌های دفاعی ایران به‌عنوان نقض اصلی حقوقی[۴۲]و در نتیجه قرار دادن ایران در جایگاه خطاکار، به «چارچوب‌بندی» متوسل شده است.

بنابراین، می‌توان گفت اتحادیه اروپا در قبال تجاوز ایالات متحده و اسرائیل علیه ایران، الگویی مستمر از سکوت معنادار ایجاد کرده است؛ الگویی که می‌توان آن را آگاهانه و عامدانه دانست.[۴۳]

الزام به عدم شناسایی وضعیت ایجاد شده توسط نقض جدی

در مواجهه با نقض جدی یک قاعده آمره حقوق بین‌الملل، سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌ها موظف به اجتناب و خودداری هستند، همانطور که در ماده ۴۱ مواد مربوط به مسئولیت دولت‌ها ارائه شده از سویکمیسیون حقوق بین‌الملل[۴۴] بیان شده است: «هیچ دولتی نباید وضعیتی را که ناشی از نقض جدی به معنای ماده ۴۰ است، قانونی بداند و یا در حفظ آن وضعیت، کمک یا مساعدتی ارائه دهد.» مواد مربوط به مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی[۴۵] ارائه شده از سوی کمیسیون حقوق بین‌الملل در ماده ۴۲ خود، فرمول مشابهی دارد. این موضوع جدا از تعهد آنها به همکاری برای پایان دادن به هرگونه نقض جدی از طریق ابزارهای قانونی است که در همان مقررات گنجانده شده

---

۳۹. https://www.consilium.europa.eu/media/lwhk3itd/en-20260319-european-council-conclusions.pdf

۴۰. https://www.consilium.europa.eu/en/meetings/fac/2026/03/16/

۴۱. https://www.consilium.europa.eu/en/press/press-releases/2026/03/09/joint-statement-by-president-costa-and-president-von-der-leyen-after-the-video-conference-with-leaders-from-middle-east-countries-on-the-war-in-iran/

https://www.consilium.europa.eu/en/press/press-releases/2026/03/01/statement-by-the-high-representative-on-behalf-of-the-european-union-on-developments-in-the-middle-east/

https://www.consilium.europa.eu/en/press/press-releases/2026/02/28/joint-statement-by-president-costa-and-president-von-der-leyen-on-developments-in-iran/

۴۲. https://www.consilium.europa.eu/en/press/press-releases/2026/03/05/joint-statement-by-gcc-eu-ministers-meeting-on-recent-developments-in-the-middle-east-iran-s-attacks-against-gcc-states/

۴۳. Conscious and intended pattern of articulated silence

۴۴. https://legal.un.org/ilc/texts/instruments/english/draft_articles/9_6_2001.pdf

۴۵. https://legal.un.org/ilc/texts/instruments/english/draft_articles/9_11_2011.pdf

است. این تعهد همچنین توسط دیوان بین‌المللی دادگستری در دو مورد تأیید شده است: در رأی مشورتی نامیبیا [۴۶] در سال ۱۹۷۱ که در آن دیوان رأی داد که دولت‌ها موظفند «از هرگونه اقدام و به ویژه هرگونه معامله با دولت آفریقای جنوبی که حاکی از به رسمیت شناختن قانونی بودن حضور و اداره آفریقای جنوبی باشد، خودداری کنند» (صفحه ۱۶) و همچنین در رأی مشورتی وال[۴۷]در سال ۲۰۰۴ که در آن دیوان تعهد به عدم به رسمیت شناختن را تأیید کرد (بند ۱۶۳). تعهد به عدم شناسایی محدود به شناسایی رسمی یا صریح نیست. همچنین رفتاری را که دلالت بر شناسایی قانونی وضعیت ایجاد شده توسط یک نقض جدی دارد، یا می‌توان به طور منطقی آن را به عنوان [نوعی] دلالت بر شناسایی تفسیر کرد، ممنوع می کند، همانطور که در ادامه بیشتر مورد بحث قرار خواهد گرفت.

ماده ۴۰ مواد مربوط به مسئولیت دولت‌ها ارائه شده از سوی کمیسیون حقوق بین‌الملل تصریح می‌کند که برای اینکه نقض یک قاعده آمره جدی تلقی شود، باید «شامل قصور فاحش یا نظام مند دولت مسئول در انجام تعهد باشد». حملات ایالات متحده و اسرائیل به ایران، که با توجه به مقیاس، شدت و مدت زمان آن، به عنوان یک اقدام تجاوزکارانه[۴۸] علیه ایران شناخته می‌شود، مسلماً یک نقض جدی است. باید توجه داشت که این مربوط به چند حمله جداگانه نیست، بلکه مربوط به یک جنگ شدید است که به مدت ۳۹ روز ادامه داشت، با محاصره دریایی که هنوز برقرار است، و با آتش‌بس که دائماً توسط طرفین نقض می‌شود. از این نظر، معیارهای نقض فاحش یا نظام مند مسلماً برآورده می‌شوند. باید توجه داشت که وقوع نقض یک قاعده آمره لزوماً با رأی معتبر یک نهاد ذیصلاح مانند دیوان بین‌المللی دادگستری یا شورای امنیت سازمان ملل متحد تعیین نمی‌شود.[۴۹]

تفسیر سکوت به‌عنوان شناسایی ضمنی قانونی بودن[۵۰]

استدلال اصلی نوشتار حاضر این است که الگوی سکوت عمدی و نظام مند اتحادیه اروپا در بیانیه‌هایش در مورد جنگ ایران – بیش از ۱۰ بیانیه که در آنها اتحادیه به تفصیل به این مخاصمه پرداخته است، در حالی که هرگز از تجاوز ایالات متحده و اسرائیل که آغازگر آن بودند، نامی نبرده است، چه رسد به اینکه آن را محکوم کند –

[۴۶] https://www.icj-cij.org/sites/default/files/case-related/53/053-19710621-ADV-01-00-EN.pdf
[۴۷] https://www.icj-cij.org/sites/default/files/case-related/131/131-20040709-ADV-01-00-EN.pdf
[۴۸] https://digitallibrary.un.org/record/190983?v=pdf
[۴۹] https://brill.com/display/book/edcoll/9789047417828/Bej.9789004149816.i-472_007.xml ,P.122
[۵۰] Tacit Recognition as Lawful

می‌تواند به عنوان بازتابی از به رسمیت شناختن ضمنی وضعیت ایجاد شده توسط تجاوز، به عنوان امری قانونی توسط اتحادیه اروپا تفسیر شود. این تفسیر از ماهیت خود سکوت ناشی می‌شود: از آنجا که حذفِ [وضعیت ناشی از نقض جدی و تجاوز علیه ایران توسط] اتحادیه اروپا سهوی نیست، بلکه عمدی و مکرر است، وزن ارتباطی دارد. بازیگری که به طور کامل با یک وضعیت درگیر می‌شود در حالی که به طور مداوم بُعد قانونی اصلی آن را ناموجود می‌داند، در واقع آن بُعد را از نظر قانونی بی‌اهمیت می‌داند.

همانطور که در بالا ذکر شد، ممنوعیت شناسایی قانونی وضعیتی که در اثر نقض جدی یک قاعده آمره ایجاد شده است، چیزی بیش از ممنوعیت پذیرش رسمی قانونی بودن آن است؛ بلکه، این ممنوعیت، تلویحاً،[۵۱] شناسایی قانونی وضعیتی را که در اثر نقض جدی ایجاد شده است، ممنوع می‌کند. این موضوع همچنین با عبارت‌بندی رأی نامیبیا که در بالا ذکر شد، و تفسیر کمیسیون حقوق بین‌الملل[۵۲] از ماده ۴۱ (ماده ۴۱، بند ۵) تأیید می‌شود، که به قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد در مورد حمله به کویت نیز اشاره می‌کند، جایی که شورای امنیت سازمان ملل متحد از همه کشورها و سازمان‌های بین‌المللی می‌خواهد[۵۳] از هرگونه اقدامی که «ممکن است به عنوان شناسایی غیرمستقیم» الحاق تفسیر شود، خودداری کنند. بنابراین، تعهد به عدم شناسایی، در مورد شناسایی ضمنی یا غیرمستقیم نیز صدق می‌کند. به این معنا، الگوی مداوم سکوت صریح، گزینشی و عمدی اتحادیه اروپا در مورد تجاوز علیه ایران، با توجه به اینکه بارها به تفصیل به این موضوع پرداخته و از چارچوب قانونی برای صحبت در مورد جنبه‌های مختلف مخاصمه، مانند محکوم کردن حملات ایران به پایگاه‌های ایالات متحده در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، بستن تنگه هرمز، خطر جریان مهاجرت به امنیت انرژی اروپا استفاده کرده است، در حالی که هرگز حتی یک بار هم چیزی در مورد ایالات متحده و اسرائیل و عمل تجاوز آنها ذکر نکرده است، مسلماً می‌تواند به عنوان به رسمیت شناختن ضمنی حملات اولیه به عنوان [امری] قانونی تفسیر شود.

بااین‌حال، باید پیشاپیش به یک استدلال مخالف مهم پاسخ داد. آزاریا[۵۴] نسبت به تفسیر افراطی سکوت هشدار می‌دهد و معتقد است که سکوت تنها در موارد استثنایی و با توجه به شرایط زمینه‌ای سخت‌گیرانه، باید به‌عنوان

---

۵۱. https://brill.com/display/book/edcoll/9789047417828/Bej.9789004149816.i-472_007.xml , P.112
۵۲. https://legal.un.org/ilc/texts/instruments/english/commentaries/9_6_2001.pdf
۵۳. https://digitallibrary.un.org/record/94573
۵۴. Azaria

رضایت یا پذیرش تفسیر شود. همان‌گونه که دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه مالزی/ سنگاپور[۵۵]بیان کرده است: «سکوت نیز می‌تواند سخن بگوید، اما تنها در صورتی که رفتار دولت دیگر مستلزم واکنش باشد.»[۵۶]بر این اساس، ممکن است استدلال شود که اتحادیه اروپا، به‌عنوان شخص ثالثی که مستقیماً از عمل متخلفانه مورد بحث متضرر نشده است، نباید به‌آسانی ملزم به واکنش تلقی شود و سکوت آن را می‌توان صرفاً به اجتناب دیپلماتیک[۵۷] و خودداری از اعلام موضع درباره موضوعی نامطلوب برای مدیریت روابط ائتلافی نسبت داد و نه لزوماً به‌عنوان یک موضع حقوقی تفسیر کرد.

درست است که دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی ممکن است به دلایل گوناگون سکوت را انتخاب کنند و همه این دلایل الزاماً ماهیت حقوقی ندارند. با این‌حال، زمینه موجود در وضعیت حاضر، استدلال درباره عبور سکوت اتحادیه اروپا از مرز اجتناب دیپلماتیک را معقول می‌سازد. استدلال حاضر بر سکوت به‌طور انتزاعی استوار نیست؛ بلکه بر الگویی از سکوت گزینشی و معنادار مبتنی است. اتحادیه اروپا صرفاً از بیان موضع خودداری نکرده است؛ بلکه بارها درباره همین جنگ سخن گفته، از زبان حقوق بین‌الملل استفاده کرده و منافع اروپا را به‌طور جدی درگیر دانسته است؛ همان‌گونه که کایا کالاس،[۵۸]نماینده عالی اتحادیه در امور خارجی و سیاست امنیتی و رئیس شورای امور خارجی اتحادیه اروپا، بیان کرده است: «این جنگ اروپا نیست، اما منافع اروپا مستقیماً در معرض خطر است».[۵۹]

افزون بر این، اتحادیه اروپا پاسخ‌های ایران را محکوم کرده و مخاصمه را حول رفتار ایران چارچوب‌بندی کرده است، در حالی که به‌طور مستمر توسل اولیه ایالات متحده و اسرائیل به زور را از ارزیابی حقوقی خود کنار گذاشته است. بنابراین، این سکوت فقدان بیطرفانه/خنثای گفتار[۶۰]نیست، بلکه حذفی عامدانه در چارچوب یک روایت فعال حقوقی و سیاسی از مخاصمه است.[۶۱]

---

https://academic.oup.com/bybil/advance-article-abstract/doi/10.1093/bybil/brae002/7609609?redirectedFrom=fulltext&login=true

۵۵. https://icj-cij.org/sites/default/files/case-related/130/130-20080523-JUD-01-00-EN.pdf

۵۶. Malaysia/Singapore case,ICJ, para. 121

۵۷. Diplomatic evasion

۵۸. Kaja Kallas

۵۹. https://www.consilium.europa.eu/en/meetings/fac/2026/03/16/

۶۰. Neutral absence of speech

۶۱. Legal and political narration

علاوه بر این، موضع اتحادیه اروپا مبنی بر اینکه پاسخ‌های ایران غیرقابل توجیه[۶۲]بوده و حاکمیت کشورهای مربوط را نقض می‌کند،[۶۳]بدون آنکه به توسل پیشین به زور که حملات ایران در واکنش به آن صورت گرفته است بپردازد، می‌تواند قانونی بودن زنجیره رویدادها تا زمان پاسخ‌های ایران را مفروض بگیرد و در نتیجه این استنباط را تقویت کند که رفتار پیشین ایالات متحده و اسرائیل از منظر حقوقی فاقد ایراد تلقی شده است؛ امری که به نوبه خود، استدلال درباره دلالت سکوت معنادار و گزینشی اتحادیه بر شناسایی [و تائید اقدام متجاوزانه علیه ایران] را تقویت می‌کند.[۶۴]

همچنین باید توجه داشت که ادعای مطرح‌شده در اینجا آن نیست که سکوت اتحادیه اروپا به تغییر حقوق حاکم بر توسل به زور منجر می‌شود یا انحراف از یک قاعده آمره را معتبر یا مورد پذیرش قرار می‌دهد؛ بلکه بحث صرفاً درباره تعهد مستقل به عدم شناسایی است.[۶۵]

بر اساس مباحث پیش‌گفته، می‌توان سکوت معنادار و عامدانه اتحادیه اروپا درباره تجاوز ایالات متحده و اسرائیل را به‌طور قابل استدلالی به‌عنوان شناسایی ضمنی قانونی بودن آن تفسیر کرد. اتحادیه در طول مناقشه در چندین نوبت بیانیه‌های رسمی صادر کرده و در تمامی آن‌ها صرفاً پاسخ‌های ایران را محکوم و آن‌ها را نقض‌های غیرقابل توجیه حاکمیت همسایگان ایران توصیف کرده است، در حالی که واقعیت تثبیت‌شده آغاز تجاوز غیرقانونی[۶۶]علیه ایران توسط ایالات متحده و اسرائیل را کاملاً نادیده گرفته است.

از این رو، می‌توان استدلال کرد که اتحادیه اروپا تعهد خود را بر اساس حقوق بین‌الملل عرفی مبنی بر عدم شناسایی قانونیِ وضعیتی که در نتیجه نقض فاحش یک قاعده آمره حقوق بین‌الملل ایجاد شده است، نقض کرده است.[۶۷]

---

۶۲. https://www.consilium.europa.eu/en/press/press-releases/2026/03/05/joint-statement-by-gcc-eu-ministers-meeting-on-recent-developments-in-the-middle-east-iran-s-attacks-against-gcc-states/

۶۳. https://www.consilium.europa.eu/en/press/press-releases/2026/03/01/statement-by-the-high-representative-on-behalf-of-the-european-union-on-developments-in-the-middle-east/

۶۴. Tacit recognition

۶۵. Obligation of non-recognition; peremptory norm

۶۶. Unlawful aggression

۶۷. برای تحلیلی در مورد سکوت دولت‌ها در مورد جنگ ایران و همدستی احتمالی، رجوع کنید به:

https://voelkerrechtsblog.org/when-restrain-becomes-complicity/

پیش از نتیجه‌گیری، باید به یک ایراد احتمالی نیز پرداخت. تعهد عرفی به عدم شناسایی، که در ماده ۴۱(۲) طرح مواد مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی و مقرره متناظر آن در طرح مواد مسئولیت دولت‌ها تدوین شده است، ناظر به وضعیت‌هایی است که در نتیجه نقض فاحش ایجاد می‌شوند؛ برای مثال، بدست آوردن سرزمین در نتیجه توسل غیرقانونی به زور، نه خودِ نقض فاحش.[۶۸] بر اساس این برداشت، سکوت اتحادیه اروپا درباره حملات ایالات متحده و اسرائیل اساساً خارج از قلمرو این تعهد قرار می‌گیرد؛ زیرا تجاوز، خودِ نقض است، نه وضعیتی که آن نقض ایجاد کرده است.

بااین‌حال، این ایراد کمتر از آنچه در ابتدا به نظر می‌رسد، قانع‌کننده است. تعهد به عدم شناسایی یک وضعیت به‌عنوان قانونی، تنها زمانی معنا دارد که هم‌زمان شناسایی رفتار ایجادکننده آن وضعیت به‌عنوان رفتاری قانونی را نیز منتفی کند. دلیل این امر آن است که تمام وصف حقوقی وضعیت از نقضی ناشی می‌شود که آن را ایجاد کرده است.

تفکیک این دو، یعنی شناسایی وضعیت به‌عنوان غیرقانونی و در عین حال تلقی نقض ایجادکننده آن به‌عنوان رفتاری مجاز از نظر حقوقی، موضع منسجم حقوقی نیست؛ بلکه تناقض‌آمیز است. بنابراین، سکوت سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌ها در برابر نقض یک قاعده آمره می‌تواند تعهد عرفی به عدم شناسایی را بر اساس ماده ۴۱ طرح کمیسیون حقوق بین الملل در مورد مسئولیت دولت‌ها(ARSIWA) وماده ۴۲ طرح کمیسیون حقوق بین الملل درمورد مسئولیت سازمان های بین المللی(ARIO) نقض کند.[۶۹]

نتیجه‌گیری

در نتیجه، بحث حاضر کوشید نشان دهد که نوع خاصی از سکوت، یعنی «سکوت واجد وصف»[۷۰] می‌تواند در واقع به‌عنوان شناسایی ضمنی یک رفتار به‌عنوان رفتاری قانونی تفسیر شود. همین تحلیل را می‌توان، با اِعمال تغییرات مقتضی، درباره مواضع دولت‌ها در قبال دیگر نقض‌های فاحش قواعد آمره نیز به کار برد؛ از جمله درباره حمله به اوکراین یا جنگ غزه.

---

۶۸. Articles on the Responsibility of International Organizations (ARIO), Article 41(2); Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts (ARSIWA).

۶۹. https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=3420959

۷۰. Qualified silence